

## جناب پروفیسور جلالی !

### آخر چرا و تا بگی ازین دَدی \* ما دست بردار نیستید؟

جلالی صاحب گرامی! هرگز بدرد سر دادن ها عادت نکرده و حال هم نمی خواستم از شما ها ! که هم دانشمندان منور و لی فرمان بیدار دیگران واغنیای قارونی برای خودها وهم مغزها ی متفکر فراری ازین شهر وکشور ویران ما هستید؛ حتی بنام اهل و عیال این ملت منتظر به عزرائیل ؛ کوچکترین خواهش مظلوما نه بنمایم و با همین حالتی که دوست و دشمن از زمین و آسمان مرمی و راکت و سنگ و چوب نثار ما کرده روانند خدا گفته میسازیم زیرا برای ما زمین سخت و آسمان مصفای شما دور است ! ولی امروز اقلأ به حکم زجر وجدان و گلوله خورئ بام تا شام ؛ که ممکن اسیت برای شما خنده آور باشد ! با خواندن اعلامیه بلند بالا ی دارالانشأ تشکیلات فعالیتهای سیاسی و اجتماعی تان در کابل خرابه شده ؛ جگرم گل زده و گلویم بغض کرده و فریادم سر داد که از شما ها بپرسم که ؟

### وطن را که دَدی ساختید و مردم را برده! آخر چرا از سر کل ما دست بردار نیستید؟

جناب جلالی بیا بیید صادقانه حرف بزنید ! آیا شما در برابرآن دانشی که شما رابکری پروفیسورئ آنهم دراکادیمی علوم نظامی .....! رسا نهده شما تت و کوچکی حس نمی کنید که دریک سر زمین ویران شده ( زادگاه دیروز تان ) و در بین مردم درحال نزع آن آرگاه و بارگاه دارالانشأ تشکیلات فعالیتهای سیاسی و اجتماعی خودرا با چه اعلامیه های مطبوعاتی پرتمطراق تان را برای خدمت بپیکران فعال ساخته و از دارالسلطنه قصر نشینی ما وراى بحارتان ناظر بودند جنگیها درین خاکدان شده ما بوده و اصلاً از درد بی استادی حربی پوهنتون ما هیچ خودرا نمی خارید . آیا شما به خاطر دار پی که شخصیت نیک و خادم مطبوعات راستین و طن ( غلام جیلانی خان جلالی و زجر و شیر مادر مکرمة تان ) پائی شماها را برین سر زمین رسا ند تا مانند خودشان وطن را خادم با شید – ولی چرا شما ها بدکشید نبال – یکی شما لی و دیگری غرب زده و آن چنانی شده – و از وزارتک وطن بهره بردارئ کرده از بردن نام دزد و دغل و مختلسش هم شیر غلت زده و انتخابات ارگ گئی را ببازئ شیر و خط و گرگ و میش کشا نهید ! لطفأ حرف مردانه ز نید که باکی تبسم دارید ؟ و چرا بقول وطنی ما قطعه و چال روی تا ترا مردانه باز میدانی نم بکنید و بی تویره تان را بر شانه انداخته راه را برای مردان میدان و سخن مردانه ایلا نمیکرئ؟ و اگر چشم براه صدارتکی و یا بالکه بازی های خلیزاد صاحب هستید و چوری زنی ! آخر او کجا و دانش و تجربه شما کجا ! او که خود افغان نیست و راه شان جداست ! چرا و مگر شما نشریده ای که هیله نا بود از کرم خدا دور است !

پس جلالی جان دانشمند ! یا افغان شو و مرد میدان و مانند گذشته های پاک سرشتیت استاد راستین حربی پوهنتون افغانستان ( نه دیگران ! ) که فرزندان تباه شده این سرزمین بشما زیاد ضرورت دارئ ( نه دیگران ! ) و اگر خشمت از قالب وطن بر خواسته و سر به هوئ دیگران دارید ! شما میدانی و دنگ دنگ آخرت تان . مگر بلحاظ خدا و گور والدین پاک سرشت تان ویک دفعه بشنوید: که

### مارا زخیر شماها امید نیست – شر مر سا نه و بس !!!!!!!

- دَدی اسم خاص اصطلاحی ولایت جنوبی افغانستان بوده و آنرا بر گو ساله مرده یک گاو شیرده اطلاق میکنند که محتویات فاسد شونده اش را بدور انداخته و پوستش را مانند گو ساله زنده کاه خشک پُر میکنند و وقت دوشیدن گاو ( مادرش ) گاو را بر او آورده و روی پوست گوساله قدری آرد گندم میریزند تا گاو بیچاره فریب لیسیدن آرد و موجودیت گوساله خودرا خورده شیر بدهد و شیرده بماند

